

سنت ابتلا یعنی چه؛ راز سختی‌ها و رنج‌های زندگی چیست؟

چرا به امتحان نیاز داریم؛ رابطه میان سنت ابتلا و زندگی ما چیست؟

همه ما به گونه‌ای در زندگی با مشکلات مواجه می‌شویم. مشکلاتی که روزها، ماه‌ها و چه بسا سال‌ها رنگ خوش زندگی‌مان را به تیرگی می‌کشانند. بعضی از ما زیر فشار سختی‌ها و بلاهای زندگی خرد می‌شویم و بعضی خود را با رنج و فشار آن هماهنگ کرده و اجازه نمی‌دهیم که این مشکلات در مسیر رسیدن ما به هدف خلقتمان خللی ایجاد کنند؛ در حقیقت به این فهم می‌رسیم که هیچ گریز و گزیری از سنت ابتلا نیست. شاید گاهی هم از خود پرسیده‌ایم: «چرا من به این درد و بلا دچار شدم؟»، «چرا من باید بدهکار شوم؟»، «این چه بلایی بود که سرم آمد؟» و ده‌ها یا صدها چرای دیگر...

خوب است بدانیم که انسان بودن ما با رنج قرین است. یعنی فرشته‌ها و حیوانات به این علت که دارای رفتار غریزی‌اند، به بلا و گرفتاری دچار نمی‌شوند. این ما هستیم که به‌خاطر بهره‌مندی از اختیار و اراده سنت ابتلا را درک می‌کنیم و در معرض امتحان قرار می‌گیریم.

• اما سؤال اینجاست که چرا به رنج و بلا آزموده می‌شویم؟

• چه رابطه‌ای میان سنت ابتلا و زندگی ما در دنیا وجود دارد؟

• آیا بلا و امتحان برای ما خاصیتی هم دارد؟

ابتلا از ریشه بَلُو یا بَلَى، به معنای امتحان است؛^۱ امتحان هم از ریشه محن و به معنای گداختن است. در علم کیمیاگری برای آنکه ذرات ناخالص فلزات گران‌بها از آن‌ها پاک شود، باید در کوره‌های آتش گداخته شوند. پس از این مرحله است که فلز زیبایی و استحکام یافته و ناب و خالص می‌شود. یعنی جوهره ذات

اقترب الموارد، ج ۱، ص ۲۰۲، «بلی».

فلز با این کار نمایان شده و ارزشمندتر و قیمتی‌تر می‌شود. به همین ترتیب امتحانات هم وسيله‌ای برای سنجیدن ذات و حقیقت ما هستند. اینکه چه قدر در وجود ما ناخالصی وجود دارد یا ادعاهایی که داریم، تا چه اندازه صحت دارند، تنها از طریق ابتلا و امتحان مشخص می‌شود.

چرا به ابتلا نیاز داریم؟

ما معمولاً طرفدار رنج و سختی نیستیم و ترجیح می‌دهیم زندگی خود را در رفاه و آسایش بگذرانیم. بنابراین اگر از ماهیت باشگاهی دنیا بی‌خبر باشیم، به سادگی با این سؤال مواجه می‌شویم که چرا به سنت ابتلا نیاز داریم و یا مورد امتحان یا آزمایش قرار می‌گیریم؟

همان‌طور که می‌دانیم جهان ما بر پایه قاعده و قانون خلق شده است. طبیعتاً دانستن این قواعد و فرمول‌های خلقت به ما در مدیریت زندگی و رسیدن به هدف کمک بسیاری می‌کند. یکی از این سنت‌های الهی سنت ابتلاست. یعنی ما برای اثبات ادعایی که داریم، مورد ابتلا قرار می‌گیریم یا آزمایش می‌شویم تا نقاط ضعف و قوتمان مشخص شود. از آنجایی که ابتلا یک سنت الهی است، بدون استثناء شامل همه ما می‌شود.

حتماً برایمان پیش آمده که در شرایطی دچار ترس شویم؛ یا سلامتی خود را از دست داده و یا علی‌رغم تلاش کردن در زمینه‌ای به نتیجه دلخواه خود نرسیم.^۲ هر کدام از این موارد می‌تواند نوعی از امتحان باشد. سیستم دنیا طوری طراحی شده که ما را به‌طور مداوم در چپ‌نش اولویت‌ها و نظام محبتی‌مان ارزیابی می‌کند. و این ارزیابی گاهی با مشکلات، سختی‌ها و بیماری‌ها همراه است و گاهی هم به‌صورت فراوانی نعمت یا کمالات حسی، علمی یا معنوی خود را نشان می‌دهد.

آیه ۱۵۵ سوره بقره ۲

قرار گرفتن در بوته آزمایش لازم است چون ممکن است حتی خودمان هم درباره عملکرد حقیقی‌مان به اشتباه بیفتیم. یعنی مادامی‌که در شرایط و موقعیتی خاص قرار نگرفته‌ایم، تصور اشتباهی از خودمان داشته باشیم. عقل ما می‌تواند تحت تأثیر قوه وهممان قرار گرفته و به ما دروغ بگوید. شیطان و قوه واهمه همواره درصددند تا با ارایه اطلاعاتی اشتباه از نفس و پوشاندن ضعف‌های آن یا سرگرم کردن ما با کمالات توهمی، ضعف‌ها و مشکلات ما را برایمان توجیه کنند؛ در نتیجه ما با تصور و توهم داشتن سلامت، بدون درمان این ضعف‌ها وارد برزخ می‌شویم.

زندگی ابدی ما یک زندگی حقیقی است و بنابراین برای سنجش میزان سلامت خود در آخرت هم نیاز به معیاری حقیقی داریم. در این بین تنها آیینی‌ای که می‌تواند به ما در نشان دادن میزان سلامتمان کمک کند، قلب ماست. این قلب ماست که با قرار گرفتن در بوته آزمایش و امتحان هویت درونی و اصل خود را آشکار کرده و مشخص می‌کند چه چیزی را حقیقتاً پذیرفته است؛ مثلاً ممکن است در حالت عادی خود را فردی خیرخواه و انسان‌دوست بنامیم، اما زمانی‌که پای منافع مادی و شخصی‌مان به میان می‌آید، به راحتی حقوق دیگران را پایمال کنیم؛ یا فکر کنیم که اعتقادات مذهبی محکمی داریم، اما با قرار گرفتن در محیطی متفاوت یا خانواده‌ای بی‌قیدوبند متوجه سستی اعتقادات خود شویم؛ یا اینکه تصور کنیم انسان شاد و آرامی هستیم، اما به محض از دست دادن ثروت و دارایی‌مان نسبت به همه چیز و همه کس بدبین شویم. سنت ابتلا روشی‌ست که خداوند با آن عیار ما را در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها مشخص کرده و خود واقعی‌مان را به ما نشان می‌دهد.

چگونگی گذراندن امتحان‌ها

شاید همه ما در دل خود آرزوی موفقیت در امتحانات و سربلندی در سنت ابتلا را داشته باشیم، اما چگونه عده‌ای از آزمایشات الهی سربلند بیرون می‌آیند و عده‌ای هم شکست را پذیرفته و اظهار درماندگی می‌کنند؟

گفتیم که امتحان یک سنت است و از همین‌رو شامل همه ما می‌شود؛ در حقیقت اولین قدم برای موفقیت در گذراندن امتحان، پذیرفتن آن است. ما با رفتن به مدرسه می‌پذیریم که برای رفتن به کلاس بالاتر نیاز به موفقیت در امتحانات پیش روی خود داریم. به همین جهت هم به جای سرخوردگی و احساس ناامیدی، خود را برای امتحان دادن آماده می‌کنیم. می‌دانیم که این امتحان برای ما و متناسب با ظرفیت و توانایی ما طراحی شده و برای رفتن به مرحله بعد هم ناگزیر از انجام آن هستیم.

امتحانات زندگی هم همین حالت را دارند، یعنی توسط مربی ما و متناسب با ظرفیت و توان ما تدارک دیده شده‌اند. اگر من حقیقی‌مان را درست تعریف کرده باشیم، با از دست دادن برخی از نعمت‌ها احساس رنج نکرده و به آثار سازنده و مفید آن توجه می‌کنیم؛ یعنی سنت ابتلا را مساوی با نقش مربی در تربیت خود می‌دانیم. مربی‌ای که کاملاً به وضعیت ما آگاه است و ما را خارج از حد توانمان تمرین نمی‌دهد. سنت ابتلا فرصتی‌ست که با آن بسیاری از توانایی‌های بالقوه خود را به توانایی بالفعل تبدیل کنیم؛ یعنی اگر زیرک باشیم در فرصت کوتاه و محدود دنیا از دل ابتلائات مختلف اسماء الهی را کسب کرده و از این فرصت برای شباهت به خدا و رسیدن به هدف خلقتمان استفاده می‌کنیم.

توجه به کوتاه بودن زندگی دنیا در مقابل ابدیتی که در پیش داریم، راه دیگری‌ست که تحمل ابتلائات و آزمایش‌ها را برای ما آسان می‌کند. وقتی فهمیدیم عمر دنیا با تمام فرازونشیب‌ها و سختی‌هایش در مقابل آخرت مانند عمر جنینی ما در مقابل دنیا است، سختی‌ها و مشکلات دنیا در پیش چشمانمان رنگ می‌بازد و یادآوری ابدیت و توانی که تحمل این سختی‌ها در وجودمان ایجاد می‌کند، ما را در تحمل مشکلات مقاوم‌تر می‌کند.

ما در این درس به توضیح چیهستی سنت ابتلا پرداختیم. گفتیم که امتحان و آزمایش مشخص‌کننده میزان صدق ما در مورد ادعاهایمان است. سیستم دنیا به گونه‌ای طراحی شده که دائماً ما را در مورد نحوه چینهش نظام محبتی‌مان به آزمایش می‌گذارد. اما ابتلائات و امتحانات الهی تنها مختص به ابعاد پایینی و طبیعی

وجود ماست. شرط اول موفقیت در امتحان پذیرفتن آن است. با در نظر گرفتن کوتاهی زمان دنیا در مقابل ابدیتی که در پیش داریم، می‌توانیم امتحانات الهی را با راحتی بیشتری پشت سر بگذاریم.

نظر شما در مورد سنت ابتلا چیست و چه قدر خود را در گذراندن امتحانات الهی موفق می‌بینید؟